

Investigating the dimensions of financial sustainability in the public sector

Narges Zargarkoche¹, Saba SoroshRad²

¹PhD Student of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University,
Qazvin, Iran (Corresponding Author) || Zargarna@gmail.com

²Member of Scientific Board at Qazvin Islamic Azad University (Shal
Center), Qazvin, Iran || Soroshrad94@gmail.com

Received: 2020/12/30 Accepted: 2021/02/15

Abstract

Financial sustainability was initially an issue that was addressed only to underdeveloped and emerging economies that had fragile capital markets, rising debt, and public sector expansion and were exposed to cyclical disruptions or financial pollution. But recently, concerns about financial sustainability have also spread in developed countries. Some of them have established ongoing processes to assess their capacity to maintain their financial position for a long time. Public participation in financial sustainability can help the public sector better prepare for future needs and shape itself. The main limitation of the main methods used to assess the financial sustainability of the public sector is that the measures relate to items that are directly related to financial activities. The main point of the research is that in financial sustainability, the public sector is not just a cost less than an income. More focus is formed at the international level to gain a better understanding of the main social, environmental and economic factors of public spending and the relationships between them, rather than focusing on the current composition of that cost. In previous studies, only one dimension of financial sustainability has been considered and other dimensions have not been considered. The results of this study show that indicators of sustainability in the three areas of environmental, social and economic and their efficiency with each other and with financial sustainability have many aspects that should be considered so that governments achieve their goals in the field of financial sustainability.

Keywords: Financial sustainability, Sustainability reporting, Sustainability indicators, Public sector.

بررسی ابعاد پایداری مالی در بخش عمومی

نرگس زرگر کوچه^۱، سبا سروش راد^۲

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

Zargarna@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین (مرکز شال)، قزوین، ایران

Soroshrad94@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۷

چکیده

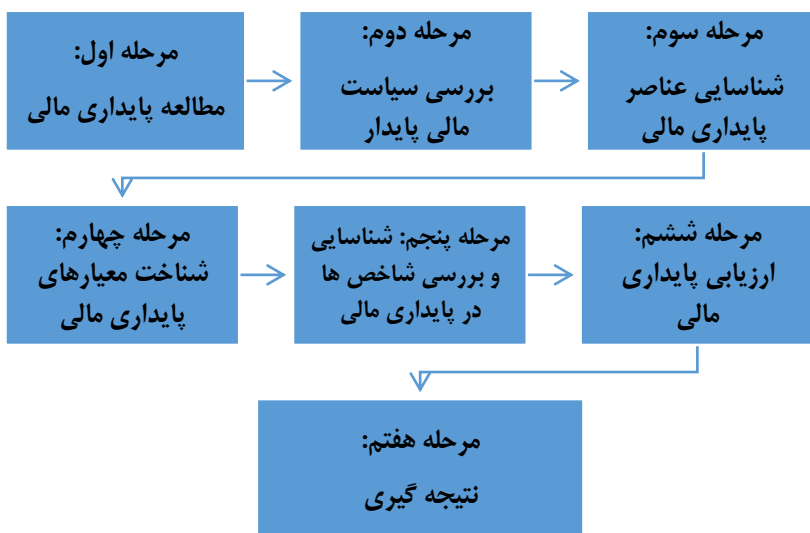
پایداری مالی در ابتدا مسئله‌ای بود که فقط برای اقتصادهای توسعه نیافته و در حال ظهور که دارای بازارهای شکننده سرمایه، افزایش بدهی و گسترش بخش دولتی بودند و در معرض اختلالات چرخه‌ای یا آلودگی مالی قرار داشتند بیان می‌شد. اما اخیراً نگرانی در مورد پایداری مالی در کشورهای پیشرفته نیز گسترش یافته است که برخی از آنها فرآیندهای مداوم را برای ارزیابی ظرفیت خود برای حفظ موقعیت مالی خود برای مدت طولانی ایجاد کرده‌اند. مشارکت عمومی در مورد پایداری مالی، می‌تواند به بخش دولتی کمک کند تا خود را برای نیازهای آینده بهتر آماده کند و خود را شکل دهد. محدودیت عمده روش‌های اصلی مورد استفاده برای ارزیابی پایداری مالی بخش دولتی این است که اقدامات مربوط به مواردی هستند که به‌طور مستقیم با فعالیت‌های مالی مرتبط هستند. نکته اصلی تحقیق این است که در پایداری مالی بخش دولتی فقط هزینه کمتر از درآمد نیست. تمرکز بیشتر در سطح بین‌المللی برای به دست آوردن درک بهتر از عوامل اصلی اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی هزینه‌های عمومی و ارتباطات بین آنها و نه تمرکز بیشتر بر روی ترکیب فعلی آن هزینه، شکل گرفته است. در تحقیق‌های پیشین توجه فقط به یک بُعد پایداری مالی شده و ابعاد دیگر در نظر گرفته نشده و لازم شد که این تحقیق، تمرکز بر درک عوامل اصلی اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و پیوندهای بین آنها با پایداری مالی داشته باشد و شاخص‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی و استفاده قرار گیرند. بررسی‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های پایداری در سه حوزه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی و کارایی آنها با یکدیگر و با پایداری مالی دارای جنبه‌های فراوانی است که باید به آن توجه شود تا دولت‌ها بتوانند به اهداف خود در زمینه پایداری مالی برسند.

واژگان کلیدی: پایداری مالی، گزارشگری پایداری، شاخص‌های پایداری، بخش عمومی.

۱. مقدمه

همان‌طور که بیان شد پایداری مالی در ابتدا مسئله‌ای بود که فقط برای اقتصادهای توسعه نیافته و در حال ظهور که دارای بازارهای شکننده سرمایه، افزایش بدهی و گسترش بخش دولتی بودند و در معرض اختلالات چرخه‌ای یا آلودگی مالی قرار داشتند بیان می‌شد. اما اخیراً نگرانی در مورد پایداری مالی در کشورهای پیشرفته نیز گسترش یافته است که برخی از آنها فرآیندهای مداوم را برای ارزیابی ظرفیت خود برای حفظ موقعیت مالی خود برای مدت طولانی ایجاد کرده‌اند (آلن شیک، ۲۰۰۵). علاقه به پایداری با مسائلی همچون نوآوری در حسابداری و تجزیه و تحلیل اقتصادی مانند حسابداری تعهدی و بودجه، استفاده از تجزیه و تحلیل ارزش فعلی در بودجه‌های دولت، حسابداری بین نسلی و تجزیه و تحلیل شکاف مالی برانگیخته شده است (آلن شیک، ۲۰۰۵). اندرسون (۲۰۱۴) بیان می‌کند که واژه پایداری مالی اشاره به ساختار سیاست‌های مالی دولت دارد. پایداری مالی اغلب یک مفهوم ابزاری است و تحلیل‌های مربوط به نوعی انضباط مالی دولت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پایداری مالی به‌طور کلی با سیاست‌های جاری و آتی دولت‌ها در ارتباط است. سیاست مالی پایدار، سیاستی است که می‌تواند در بلندمدت ادامه داشته باشد، بدون این که نیاز چندانی به مداخله در الگوهای درآمد و مخارج دولت وجود داشته باشد (افشاری و همکاران، ۱۳۹۱). دستیابی به پایداری مالی برای هر کشوری نوید دهنده منافع زیادی، مانند دستیابی به رشد اقتصادی و ثبات کلان اقتصادی می‌باشد و فقدان پایداری مالی به افزایش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی و بروز بحران برای دولت‌های مرکزی همانند آنچه که در شرق آسیا و آرژانتین رخ داد، منجر می‌گردد (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۶). پایداری مستلزم آن است که بدهی امروز دولت باید معادل ارزش فعلی مزادهای اولیه اضافی نسبت به کسری‌های اولیه باشد (افشاری و همکاران، ۱۳۹۱). اگر بخش دولتی قادر به حفظ مالی خود نباشد، نمی‌تواند برای چالش‌های پیش روی خود آماده باشد. فقدان شفافیت درباره آن چه که به آن کمک می‌کند تا از نظر اقتصادی پایدار باشد، عملکرد آینده کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد. مشارکت در مورد موضوع‌های اساسی اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و همچنین پیامدهای آن برای عموم ضروری است. مشارکت عمومی در مورد پایداری مالی، می‌تواند به بخش دولتی کمک کند تا خود را برای نیازهای آینده بهتر آماده کند و خود را شکل دهد. محدودیت عمده روش‌های اصلی مورد استفاده برای ارزیابی پایداری مالی بخش دولتی این است که اقدامات مربوط به مواردی هستند که به‌طور مستقیم با فعالیت‌های مالی مرتبط هستند. آن‌ها شاخص‌های تأخیری هستند که کمترین توجه را به علل اجتماعی و محیطی می‌کنند که اساس فعالیت و هزینه‌های اقتصادی را شامل می‌شوند. نکته اصلی آن است که در پایداری مالی بخش دولتی فقط هزینه کمتر از درآمد نیست. تمرکز بیشتر در سطح بین‌المللی برای به دست آوردن درک بهتر از عوامل اصلی اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، هزینه‌های عمومی و ارتباطات بین آنها و نه تمرکز بیشتر بر روی ترکیب

فعلی آن هزینه، شکل گرفته است (اندرسون، ۲۰۰۶). این تحقیق تمرکز بر درک عوامل اصلی اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و پیوندهای بین آنها با پایداری مالی دارد و شاخص‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی، مورد بررسی و استفاده قرار می‌گیرند. شاخص‌های متداول اقتصادی، ارتباط مستقیمی با پایداری مالی بخش دولتی دارند (سرانه تولید ناخالص داخلی، تأثیرگذاری بر هزینه‌های عمومی، بهره‌وری، شکاف اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بسیاری دیگر) زمینه‌ساز و بالقوه هستند. نقطه شروع ارزیابی پایداری مالی، بررسی شرایط بازپرداخت بدهی‌های دولت است ولی شاخص‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی نیز در پایداری مالی نقش بسزایی دارند، که در این مقاله سعی شده تحقیقاتی که در مورد این شاخص‌ها شده، بررسی و ارتباط آنها با پایداری مالی نشان داده شود. شکل (۱) مدلی مفهومی در این زمینه را ارائه می‌نماید.



شکل ۱. مدل مفهومی

۲. پایداری مالی

واژه پایداری از صفت آنچه می‌تواند ادامه یابد یا تحمل شود گرفته شده است. اصطلاح پایداری برای شرح یک روش بهره‌برداری از منبع در حالی که آن منبع در طول زمان تحلیل نرود یا آسیب نبیند استفاده می‌شود (زارعی، ۱۳۸۷). در متون اقتصادی، پایداری مالی زمانی تحقق می‌یابد که نسبت بدهی-های دولتی به تولید ناخالص ملی، یک متغیر ایستا و با کل تقاضای اوراق قرضه دولتی سازگار باشد (ادوارد، ۲۰۰۲؛ فلاحی و همکاران، ۱۳۹۶).

پایداری مالی به این اشاره می‌کند که یک دولت تحت سیاست‌های جاری خود بتواند به یک نسبت بدهی از قبل مشخص شده، در یک افق زمانی نامحدود برسد. بنابراین، توانایی پرداخت بدهی تنها شرط لازم

برای پایداری است و پایداری علاوه بر این مفهوم دربردارنده عدم تغییر سیاست‌های مالی نیز هست (افشاری و همکاران، ۱۳۹۱).

اصطلاح پایداری برای شرح یک روش بهره‌برداری از منبع در حالی که آن منبع در طول زمان تحلیل نرود یا آسیب نبیند استفاده می‌شود (نصیری‌زاده، ۱۳۸۰؛ فلاحتی و همکاران، ۱۳۹۶).

پایداری مالی بخش دولتی ظرفیت مالی بخش دولتی برای تحقق تعهدات جاری خود، مقاومت در برابر شوک‌ها و حفظ سطح خدمات، بدهی و تعهد در سطوح معقول نسبت به انتظارات ملی و درآمد احتمالی آینده، ضمن حفظ منافع عمومی است. این تعریف، مشخص می‌کند که:

- پایداری مالی به اندازه ظرفیت‌های مالی توسط اطلاعات عمومی تعیین می‌شود.
 - عدالت بین نسلی (یعنی اینکه هر نسلی در استفاده از منابع و ثروت نسبت به نسل‌های بعدی باید عادلانه و معقول باشد).
 - پایداری با حفظ خدمات موجود بی‌فایده است. حفظ خدمات در سطوح معقول نسبت به انتظارات ملی به معنای حفظ خدمات موجود نیست، بلکه اطمینان از تأمین خدمات برای آینده خواهد بود.
 - دولت از جامعه خود جدا نیست، اما بخشی از مجموعه‌ای پیچیده از روابط اجتماعی است که شامل تقسیم و انتقال منابع در بین شهروندان است (اندرسون، ۲۰۱۳).
- پایداری مالی یک واحد دولتی، توانایی برای مدیریت ظرفیت مالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت ضمن حفظ سطح خدمات است. این امر مستلزم اجرای سیاست‌هایی است که از ارائه خدمات ممکن به خدمات عمومی به نسل فعلی اطمینان حاصل کند، ضمن آن که از نیازهای آینده حمایت کند و از این طریق بتواند از عدالت بین نسلی اطمینان حاصل کند (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، ۲۰۱۳).

تعهدات یک اقتصاد هنگامی پایدار است که نسبت‌های بدهی برآورد شده آتی آن، به اندازه کافی پایین بوده و در عین حال پایدار یا نزولی باشند. معنی دیگر این عبارت آن است که بدهی یکی کشور هنگامی غیرپایدار است که نسبت‌های بدهی برآورد شده آتی آن، افزایشی بوده و یا در سطح بالا باقی بمانند (معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۵).

۱,۲. سیاست مالی پایدار

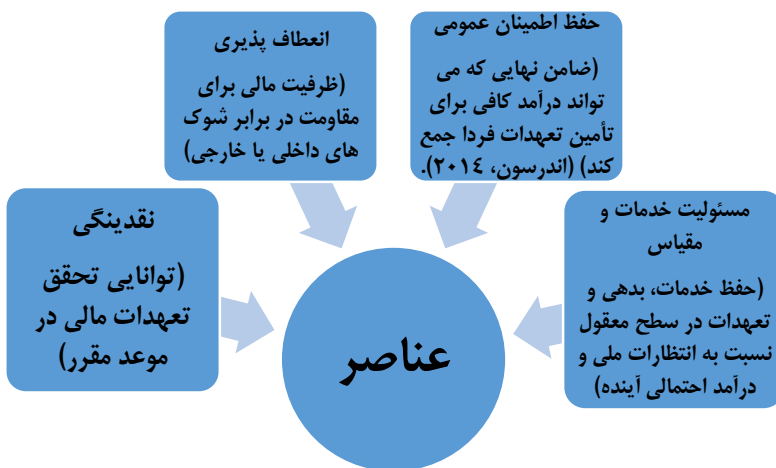
پایداری مالی به‌طور کلی با سیاست‌های جاری و آتی دولت‌ها در ارتباط است. سیاست مالی پایدار:

¹ IPSASB

- ۱) سیاستی است که می‌تواند در بلندمدت ادامه داشته باشد، بدون این که نیاز چندانی به مداخله در الگوهای درآمد و مخارج دولت وجود داشته باشد.
- ۲) سیاست‌ها طوری تنظیم شود که مازاد درآمدهای دولت در طول زمان بتواند کسری اولیه و آتی را پوشش دهد.
- ۳) بر اساس نظر (بلنچارد) سیاستی است که تضمین می‌کند نسبت بدهی به تولید به مقدار تعادلی اولیه خویش برگردد.
- ۴) بویتر بیان می‌کند که سیاستی که باعث شود نسبت خالص دارایی‌های دولت به تولید در سطح فعلی ثابت باقی بماند.
- ۵) سیاستی مالی پایدار است که اگر یک قرض گیرنده (یک دولت) انتظار داشته باشد بتواند به ارایه خدمات مربوط به بدهی‌های خویش (پرداخت اصل و بهره) بدون اینکه نیاز به اصلاح زیاد در تراز درآمدها (مالیاتی) و مخارج خویش داشته باشد، ادامه دهد (افشاری و همکاران، ۱۳۹۱).
- ۶) دومار (۱۹۹۴) بیان می‌کند که اگر ارزش حال مازاد بودجه‌های آتی دولت معادل بدهی فعلی دولت باشد، سیاست مالی پایدار است.
- ۷) پایداری سیاست مالی، به معنی توانایی دولت به بازپرداخت بدهی است (فلاحتی و همکاران، ۱۳۹۶).

۲.۲. عناصر اصلی پایداری مالی بخش عمومی

اندرسون (۲۰۱۴) عناصر اصلی پایداری مالی را چهار مورد بیان می‌کند:



شکل ۲. عناصر اصلی پایداری مالی بخش عمومی

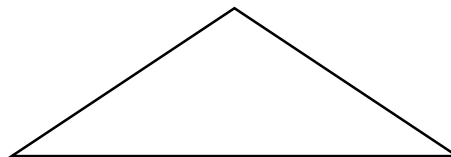
ابعاد پایداری از نگاه آلن شیک (۲۰۰۴)، بیانگر این نگرانی است که دولت‌ها، بدهی‌های بلندمدت را انباشته کرده‌اند که در بودجه‌های جاری یا ترازنامه‌ها ظاهر نمی‌شوند اما ممکن است در موعد مقرر آنها را آزار دهد. مفهوم گسترده پایداری مبتنی بر این هنجار است که دولت‌های مسئول نباید صدمه‌ای به آن وارد کنند که ده‌ها سال پس از اتخاذ سیاست‌های مربوطه به وجود می‌آید. چهار بُعد پایداری برای تجزیه و تحلیل در اینجا جدا می‌شوند، اما در عمل تمایل دارند به‌طور توأمان ظاهر شوند که این چهار بُعد با هم همپوشانی دارند (الن شیک، ۲۰۰۴).

- (۱) پرداخت بدهی - توانایی دولت در پرداخت تعهدات مالی خود.
- (۲) رشد - سیاست مالی که رشد اقتصادی را پایدار می‌کند.
- (۳) ثبات - ظرفیت دولت برای تحقق تعهدات آتی با بار مالیاتی موجود.
- (۴) انصاف - ظرفیت دولت برای پرداخت تعهدات جاری بدون انتقال هزینه به نسل‌های آینده (الن شیک، ۲۰۰۴).

۳.۲. معیارهای پایداری

با توجه به تعاریف مختلف توسعه پایدار که از سوی افراد و سازمان‌های مختلف ارائه شده است، در مجموع توسعه پایدار به این معنی است که منابع طبیعی به شیوه‌ای استفاده و مدیریت شود که ظرفیت‌های اکوسیستم موجود برای نسل‌های آینده باقی بماند. امروزه برای تبیین مفهوم مدل توسعه پایدار، دو مدل متفاوت وجود دارد که اگر بخواهیم بر توسعه پایدار فضایی تمرکز نماییم اهمیت آنها بیشتر جلوه خواهد نمود. از یک سوی پایداری در ابعاد سه‌گانه‌اش (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) شبیه یک مثلث و با عنوان "مثلث پایداری" مشخص شده است (شکل ۳).

اقتصادی (رشد پایداری، کارایی، سرمایه،...)



اجتماعی (عدالت، مشارکت، توانمند
سازی،...)

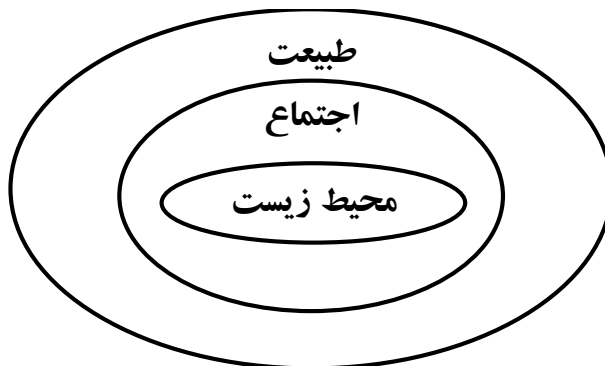
زیست محیطی (منابع طبیعی، تنوع
زیستی،...)

شکل ۳. مثلث پایداری

پایداری زیست محیطی: یک سیستم از نظر محیطی پایدار باید از منابع پایه با ثبات حمایت کند و از استخراج بیش از حد منابع و یا عملکردهای تهری‌سازی منابع محیطی جلوگیری نماید. در پایداری محیطی همچنین باید از تنوع زیستی، ثبات پایداری جوی و سایر کارکردهای اکوسیستم، که معمولاً به عنوان منابع اقتصادی طبقه‌بندی نمی‌شوند نیز حمایت شود (هاریس، ۲۰۰۰).

پایداری اقتصادی: بریم‌نژاد و صدرالاشرفی، ۱۳۸۴ بیان کردند که پایداری اقتصادی را می‌توان به این صورت تعریف نمود که انتخاب آن گزینه‌ای که براساس بهترین دانش اقتصادی موجود باعث رشد اقتصادی وسیع و پایه‌ای و توسعه بلندمدت می‌گردد. رشد اقتصادی به تنهایی مناسب نمی‌باشد اما به عنوان وسیله‌ای برای پیشرفت زندگی انسانی ارزشمند است. بر این اساس، پایداری اقتصادی را بایستی در متن سیاست‌های مقدم دیگر مثل پایداری سیاسی و اجتماعی، مناسبت‌های فرهنگی و مدیریت صحیح منابع طبیعی جست و جو نمود. براین نکته نیز بایستی تأکید نمود که پایداری اقتصادی به‌طور اعم و تعدیل ساختاری به‌طور خاص چالش‌های جهانی هستند که بیشتر کشورهای جهان با آن مواجه می‌باشند.

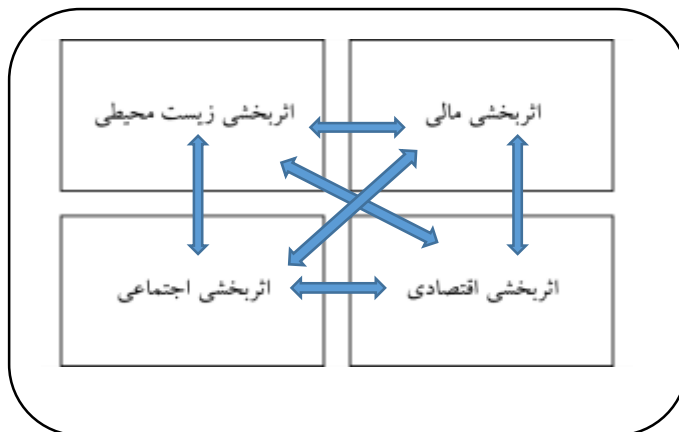
پایداری اجتماعی: پایداری اجتماعی، تداوم تمدنی است که در آن انسان‌ها توزیع عادلانه بین اغنیا و فقرا را شاهد بوده و بهبود کیفیت زندگی حاصل آن است. به‌طور کلی، کاهش تنش‌های اجتماعی، شیوه سازمان‌دهی سازگار با شرایط اجتماعی، برابری برای ناتوانان، زنان و گروه‌های نژادی، قومی-مذهبی، حقوق انسانی، آموزش و آگاهی‌های زیست محیطی، بهداشت و درمان و سرپناه مناسب برای همه، ترویج نقش خانواده و اجتماعات، حقوق سیاسی و مشارکت و ترویج ارزش‌های اجتماعی از محورهای اصلی پایداری اجتماعی است (کاظمی، ۱۳۷۸). طبق نظر طاهری و ابوالحسنی از سوی دیگر پایداری شبیه یک بیضی با عنوان "بیضی پایداری" مدنظر قرار گرفته است (شکل ۴).



شکل ۴. بیضی پایداری

این دو مدل تفاوت اساسی با هم دارند. در مدل مثلثی، که در سال ۲۰۰۱ بوسیله سراگلدین مطرح گردید، اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در سه گوشه متفاوت مثلث جای دارند، بدون اینکه نظامی سلسله مراتبی بین آن اهداف وجود داشته باشد. اما در مدل بیضی، وابستگی نزدیکی بین ابعاد و اهداف سه گانه مذکور وجود دارد. در این مدل، سپهر (دایره) زیست محیطی، سپهر اجتماعی و سپهر اقتصادی را احاطه و در برمی گیرد. در اینجا، بعد اقتصاد به عنوان زیر سیستم اجتماع تعیین گردیده و بعد اجتماع درون سپهر وسیع‌تری با نام طبیعت و محیط زیست معنا یافته و تکمیل می‌شود. در حالی که مدل مثلثی به تعریف بسیار مجزای اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی منجر می‌شود.

مدل بیضی پایداری بر این مهم اشاره و تأکید دارد که اهداف اجتماع یا سیستم‌های اجتماعی باید سپهر زیست محیطی احاطه کننده را مدنظر قرار دهند، و این در حالی است که اقتصاد نیز به عنوان زیرسیستمی اجتماع نیازمند تمرکز و توجه به اهداف اجتماعی به عنوان یک چارچوبی برای آرمان‌هایش می‌باشد (بیرکمان و گلیستین ۲۰۰۲؛ طاهری و همکاران، ۱۳۹۴). در نتیجه‌ی مدل بیضی، جوامع جز مکملی از اکوسیستم‌های احاطه کننده هستند و بنابراین تنها در صورتی که هم شرایط انسانی و هم شرایط اکوسیستم خوب و یا رو به بهبودی باشند، احتمالاً می‌توان آنها را پایدار عنوان نمود و اگر شرایط مورد نظر ضعیف و یا رو به بدتر شدن باشد، اجتماع نیز ناپایدار خواهد بود (بدری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲؛ طاهری و همکاران، ۱۳۹۴). آنچه که به مثلث پایداری معروف است، باید مانند شکل ۵ به چهار گوش پایداری توسعه داده شده و مفهوم پایداری مالی نیز به آن اضافه شود.



شکل ۵. چهار گوش پایداری

در این چهار گوش، هر خانه بیانگر اثربخشی هر بخش، به معنای میزان دستیابی به اهداف خاص آن بخش است. برای مثال اثربخشی زیست محیطی می‌تواند بیانگر کاهش آلاینده‌ها و اثربخشی مالی شامل

کاهش بدهی‌ها در بخش عمومی باشد. فلش‌های میان دو بخش به کارایی اشاره دارد که بیان‌گر رابطه بین دوحوزه است. اتصال به هم پیوسته برای پایداری مالی بخش عمومی مهم است، زیرا در ساده‌ترین سطح، طیف وسیعی از موضوعات ممکن است به عنوان رقابت با یکدیگر برای توجه و بودجه عمومی مشخص شود. از آنجا که اینها بخش‌هایی از سیستم‌های پیچیده هستند، مرتب کردن سطوح کارایی (یا چند برابر کننده/ضعیف کننده اثرات) بسیار دشوار است.

۴,۲. شاخص‌های پایداری

شاخص‌ها روی مفهوم شهودی تمایز بین پایداری و ناپایداری سیاست مالی تکیه می‌کنند (افشاری و همکاران، ۱۳۹۱). تحقیقات نشان می‌دهد فقط یک شاخص بدهی کافی نیست. یک رویکرد در حال تحول برای پایداری مالی وجود دارد، که حوزه‌های قضایی مختلف با استفاده از اقدامات مالی به‌طور فزاینده‌ای از پایداری مالی بخش دولتی استفاده می‌کنند و یک روند در حال ظهور به سمت شاخص‌های ملی وجود دارد، که به پایداری مالی بخش عمومی بسیار مرتبط است. این امر به دلیل محدودیت‌های شاخص‌های مالی و شناخت روزافزون عوامل اجتماعی و محیطی در زمینه فعالیت‌ها و هزینه‌های اقتصادی رخ داده است.

شاخص‌های پایداری مالی بخش دولتی عموماً با ارزیابی عدم تعادل درآمد و هزینه‌های عمومی (مازاد خالص یا کسری) و اثرات جانبی آن بر بدهی‌های عمومی و هزینه‌های خدمات بدهی (که این عدم توازن اولیه را تشکیل می‌دهد) آغاز می‌شود. تحقیقات در مورد سطح بدهی به‌طور کلی نشان می‌دهد که بدهی خالص بالاتر از ۹۰٪ تولید ناخالص داخلی ممکن است تأثیر منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته باشد. سطوح بالاتر از ۹۰٪ همچنین احتمال بروز نتایج منفی دیگر مانند کاهش قابل توجه در اعتبارات معتبر، افزایش هزینه‌های خدمات را افزایش می‌دهد. با این وجود، عدم تعادل منفی در حساب‌های بخش عمومی نه تنها سطح بدهی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به قابلیت‌پذیری مالی و اعتبار قابل درک نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین، یک شاخص بدهی برای ارزیابی کامل وضعیت کافی نیست. همپوشانی قابل توجهی بین سیستم‌ها در سطح شاخص، دسته و هدف وجود دارد. با این حال، بسیاری از شاخص‌های منحصر به فرد یا غیر معمول مشترک وجود دارد، و شاخص‌های مشابه اغلب در دسته‌بندی کاملاً متفاوت یا حتی دامنه‌ها قرار می‌گیرند. دفتر مسئولیت‌پذیری عمومی در ایالات متحده آمریکا نمونه‌ای از چگونگی طبقه‌بندی شاخص‌های ملی را نشان می‌دهد، همان‌طور که در شکل (۶) نشان داده شده است.

زیست محیطی	زمین (اکوسیستم)، زمین، آب، هوا، منابع طبیعی
اجتماعی	بهداشت و مسکن، اجتماعات و شهروندی، آموزش و نوآوری، امنیت و ایمنی، جرم و عدالت، کودکان، خانواده‌ها و پیری، دموکراسی و حکومت‌داری، هنر و فرهنگ
اقتصادی	مصرف کننده و اشتغال، حمل و نقل و زیر ساخت، امور مالی و پول، تجارت و بازار، دولت، اقتصاد جهانی

شکل ۶. دسته‌های نشانگر متقاطع: کیفیت زندگی • پایداری • فقر • تنوع • فرصت • تحرک • عدالت
منبع: دفتر مسئولیت پذیری عمومی ایالات متحده (۲۰۱۱)

۲.۵. روش‌های ارزیابی پایداری مالی

حالت‌های تجزیه و تحلیل پایداری با شیوه‌های موجود در بودجه از جمله پیش‌بینی‌های پایه، تحلیل ترانزنامه، تحلیل شکاف مالی و حسابداری نسلی ارتباط دارد.

• پیش‌بینی‌های اولیه: این روش نتایج اصلی سیاست‌های فعلی را برای دوره‌های طولانی‌تر گسترش می‌دهد، و در مورد پایداری مالی سیاست‌های امروز، ارزیابی هر دو سناریوی "عدم تغییر" و معیوب است. صورت‌های مالی بلندمدت وزارت خزانه‌داری ایالات متحده از این روش استفاده می‌کند، و این روشی است که توسط کسورهایی که حساب‌رسان کل برای مسئولان اطلاعات ارائه می‌دهند، استفاده می‌شود.

• تجزیه و تحلیل ترانزنامه: تا زمانی که فقط بدهی‌های صریح ناشی از اقدامات گذشته به رسمیت شناخته شود، این روش ناقص خواهد بود. برای کامل شدن، تجزیه و تحلیل ترانزنامه همچنین باید شامل تعهدات آتی ناشی از انتظارات مشروع دولت و بدهی‌های ناشی از سیاست فعلی باشد.

• تجزیه و تحلیل شکاف مالی: این روش شکاف مورد نیاز برای ایجاد یکپارچگی بین سیاست فعلی اقتصادی و همچنین اقتصادی که سطح بدهی مورد نظر را در یک سال هدف تأمین می‌کند، اندازه‌گیری می‌کند.

• تلاش برای حسابداری نسلی: برای اندازه‌گیری و مقایسه سود خالص دریافت شده توسط گروه‌های مختلف سنی، عمدتاً با محاسبه نقل و انتقالات، مالیات کمتری پرداخت می‌شود (آلن شیک، ۲۰۰۵).

از طرف دیگر در متون اقتصادی مختلف، سه روش برای ارزیابی پایداری مالی وجود دارد که عبارت‌اند از: (۱) استفاده از آزمون‌ها، (۲) استفاده از شاخص‌ها، (۳) استفاده از ترکیب آزمون‌ها و شاخص‌ها.

در روش‌های ارزیابی پایداری مالی با استفاده از شاخص‌ها می‌توان گفت شاخص مناسب پایداری مالی شاخصی است که در زمانی که نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی سریعاً در حال رشد است، سیگنال‌های روشن و قابل تفسیر ارسال نماید. شاخص‌های پایداری نه تنها نیاز به تنظیم مجدد را مطرح می‌سازند بلکه می‌توانند میزان تعدیل را نیز مشخص نمایند. رایج‌ترین شاخص‌های پایداری مالی مورد استفاده، شکاف اولیه و شکاف مالیاتی است و نحوه تشکیل هر دو شاخص فوق مشابه است. ابتدا سطح پایدار متغیر مالی مورد نظر محاسبه می‌شود و در مرحله دوم شکاف بر اساس اختلاف بین سطح پایدار و سطح فعلی کسری اولیه و یا نسبت درآمد تعریف می‌شود. همچنین در برخی ارزیابی‌های پایداری مالی به‌طور همزمان می‌توان ترکیبی از شاخص‌ها و آزمون‌ها را به کار برد و ترکیب این دو روش آزمون می‌تواند جهت ارزیابی پایداری مالی، همدیگر را تقویت نمایند (زارعی، ۱۳۸۷).

گروهی از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه استنفورد "شاخص مسئولیت مالی سودمند" را منتشر کردند که بینش بی‌نظیر و مفید را به پایداری مالی کشورها ارائه می‌دهد. این شاخص ابتدا سطح بدهی دولت را اندازه می‌گیرد و فضای مالی یک کشور را در نظر می‌گیرد و با نگاه به مسیر مالی کشور، پایداری سطح بدهی دولت را با گذشت زمان ارزیابی می‌کند و سرانجام در تعیین درجه شفافیت و پاسخگویی، مدیریت مالی هر کشور را ارزیابی می‌کند. مؤلفه‌ها در آن عبارتند از:

۱) فضای مالی: اقدامی که سطح متوسط بدهی وزنی یک کشور را با سقف ارزیابی شده بدهی مقایسه می‌کند.

۲) مسیر مالی: چند سال طول می‌کشد تا یک کشور به سقف بدهی در مسیر فعلی مالی خود برسد.

۳) حاکمیت مالی: وزن قوانین، شفافیت و قابلیت اجرا را به‌طور مساوی در نظر می‌گیرد. نهایتاً این سه مؤلفه رتبه‌بندی می‌شوند و رتبه‌بندی‌ها به‌طور متوسط در فهرست کلی به دست می‌آیند. در این رتبه‌بندی‌ها سعی می‌شود با نگاه کردن به هر دو حد، نقاط ضعف یا قدرت پایداری سیستم مالی اندازه‌گیری شود (آگوستین و همکاران، ۲۰۱۱).

۳. نتیجه‌گیری

هدف اصلی درک پایداری مالی مربوط به پیش‌بینی درست آینده نیست، هدف این است که اطلاعاتی ارائه شود که در انتخاب بهترین اقدامات برای تصمیم‌گیری و انتخاب مسیرهای کنونی کمک کند. موضوع پایداری مالی، بزرگ، جامع و پیچیده است و ارائه اطلاعات خوب به خودی خود کافی نیست. چنین موضوعاتی فقط در شرایطی مورد بررسی قرار می‌گیرد که همه طرف‌های ذیربط در طراحی راه حل‌ها، مشارکت داشته باشند و فرآیندهای تعامل قبل و بعد از آن برای سودمندی آن‌ها حیاتی هستند. برای هر گونه اطلاعات مفید در مورد پایداری مالی بخش دولتی، لازم است تا اثرات بسیار بیشتری برای

تعامل مؤثر با عموم در مورد موضوعات اساسی اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و همچنین پیامدهای آنها انجام شود و شاخص‌ها و کارایی آنها با پایداری مالی مورد بررسی جامع‌تری قرار گیرد تا بتواند در پیشبرد اهداف دولت‌ها به سمت پایداری مالی در افق بلندمدت کمک کند. بنابراین به محققان توصیه می‌شود در راستای این امر، تحقیقاتی در زمینه شناخت شاخص‌ها انجام دهند تا نتایج دقیق‌تری بدست آید.

منابع

- افشاری، زهرا؛ شیرین‌بخش، شمساله؛ بهشتی، مریم. (۱۳۹۱). بررسی پایداری مالی در ایران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی- ایرانی)، ۱۲(۴۵)، ۲۷-۵۴.
- زارعی، ژاله. (۱۳۸۷). ارزیابی پایداری مالی در اقتصاد ایران. تازه‌های اقتصاد، ۸(۳۱)، ۵۶-۵۸.
- طاهری، صفار؛ ابوالحسنی، لیلی؛ شاهنوشی فروشانی، ناصر. (۱۳۹۴). تعیین شاخص‌های ارزیابی پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی سدهای بزرگ. سومین همایش ملی پژوهش‌های محیط‌زیست و کشاورزی ایران، همدان.
- فلاحی، علی؛ فتاحی، علی؛ شهرام، حیدری؛ دیزگرانی، علی. (۱۳۹۶). بررسی پایداری مالی و شوک‌های مالی گذرا در اقتصاد ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، سال یازدهم، ۴۱، ۳۲۱-۳۵۱.
- کاظمی‌محمدی، سیدمهدی‌موسی. (۱۳۷۸). ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری: مطالعه موردی: قم. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- نصیری‌زاده، حمیدرضا. (۱۳۸۰). کسری بودجه و تورم در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۴۲. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- Allen, S. (2005). Sustainable Budget Policy: Concepts and Approaches. OECD Journal on Budgeting.
- Anderson, E. P., Pringle, C. M. & Manrique, R. (2006). transforming tropical rivers: an environmental perspective on hydropower development in Costa Rica. Aquatic Conservation: Marine and Freshwater Ecosystems, 16, 679-693.
- Edwards, S. (2002). Debt Relief and Fiscal Sustainability. National Bureau of Economic Research, Working Paper 8939, 3-16.
- Harris, J.M. (2000). Basic principles of sustainable development. Tufts university, USA.
- IPSASB. (2013). Reporting on the Long-Term Sustainability of Public Sector Entity's Finances. OECD Journal on Budgeting.